

[**احکام قبله** 1](#_Toc501975674)

[**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)** 1](#_Toc501975675)

[**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)** 1](#_Toc501975676)

[***امام قدس سره*** 2](#_Toc501975677)

[**مناقشه** 3](#_Toc501975678)

[***نظر استاد*** 4](#_Toc501975679)

[**حکم عالم به جهت قبله (عدم توسعه)** 4](#_Toc501975680)

[**حکم جاهل به جهت قبله (توسعه تا 25 درجه)** 4](#_Toc501975681)

[**بیان أول (سیره عقلائیه)** 5](#_Toc501975682)

[**بیان دوم (روایات)** 5](#_Toc501975683)

[***حکم شک در صدق استقبال قبله*** 6](#_Toc501975684)

[**جهت خامسه** 7](#_Toc501975685)

**موضوع**: محدوده مکام قبله/قبله افراد بعید /احکام قبله /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**احکام قبله**

**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)**

**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)**

**بحث راجع به این بود که:** آیا قبله برای بعید عین الکعبه است یا جهت کعبه است؟: مطالبی را از مرحوم خویی، مرحوم نائینی و مرحوم بروجردی نقل کردیم و مناقشات آن را بیان کردیم من جمله عرض کردیم؛

این که بگوییم استقبال سبع دائره (که مرحوم خویی فرمود) یا استقبال ربع الدائره و جهت جنوب (که مرحوم بروجردی فرمود) عرفاً استقبال قبله است و عمداً هم می توان تا این مقدار از قبله انحراف داشته باشیم عرفی نیست؛

اگر در مسجد النبی صلی الله علیه و آله که محراب پیامبر مشخص بود (یا در مسجد کوفه که حضرت علی علیه السلام نماز خوانده است)؛ شخصی با انحراف 45 درجه یا کمتراز این مقدار، به سمت راست یا چپ می ایستاد، آیا ارتکاز مسلمین او را مستقبل القبله می دید؟ أبداً این طور نیست و لذا نمی توان این مطالب را پذیرفت.

***امام قدس سره***

**امام قدس سره مطالبی دارند؛**

**ایشان در ذیل عبارت عروه: «یجب استقبال عینها لا المسجد أو الحرم و لو للبعید»، فرموده اند:**

قبول داریم استقبال عین کعبه حتّی برای افرادی که دور از کعبه اند، واجب است ولی هر چه انسان از کعبه دور می شود استقبال او توسعه پیدا می کند: اگر کمی دور شویم، استقبال مسجد مساوی با استقبال کعبه است و اگر بیشتر دور شویم استقبال مکه مساوی استقبال کعبه است و همین طور استقبال حجاز برای مسافت خیلی دور، استقبال کعبه می شود.

مثلاً خورشید که از آن خیلی دور هستیم و با این حجم بزرگ به نظر ما خیلی کوچک می آید؛ افراد روی زمین هر کجا که می ایستند فکر می کنند که روبروی خورشید اند یکی در ایران و یکی در عراق است و هر دو می گویند روبروی خورشید ام و جهت صدق استقبال این است که خورشید دور است و لذا محاذات با خورشید توسعه دارد و استقبال خورشید ولو بر این خط طویل که از ایران و عراق و غیر آن می گذرد و همه ی مردم در یک زمان می گویند روبروی خورشید قرار گرفته ایم. لذا صحیح است بگوییم: «کلما ازداد شیئاً بعداً ازداد اتساعاً فی المحاذاة»

**بعد فرموده اند:**

**أما این اشکال که:** اگر قبله عین کعبه باشد پس در صف طولانی نماز جماعت باید بگوییم مقداری از صف جماعت محاذی کعبه نیست؛

**این اشکال صحیح نیست:** حتّی اگر صفی مستقیم در نماز جماعت به اندازه نصف کره زمین باشد باز استقبال صادق است زیرا زمین کروی است و کرویت زمین به این خط قوس می دهد و نسبت این ها به مکه یکسان می شود. این ها فکر کرده اند زمین مسطح است لذا این اشکال را مطرح کرده اند در حالی که زمین کروی است و انحنای قهری در صف جماعت به تبع کروی بودن زمین حاصل می شود و منشأ می شود که تمام این صف رو به قبله باشند و محاذی کعبه باشند.

**مناقشه**

**این فرمایش امام قدس سره روشن نیست؛**

**فرمایش أخیر خلاف وجدان است**؛

اگر صف طولانی و به اندازه نصف دائرة الأرض باشد؛ مسلم باید این صف به مرکزیت کعبه قوس پیدا کند نه این که به مرکزیت زمین، قوس پیدا کند تا همه بتوانند بگویند ما مستقبل القبله هستیم. اگر ماکت کره زمین را نگاه کنید و خط نصف النهار (که از شمال به جنوب می آید) را در نظر بگیرید که خط مستقیم است؛ اگر همه در این خط مستقیم بایستند، قطعاً همه رو به کعبه نیستند. و باید یک خط قوسی دائری به محوریت مکه تشکیل شود و لذا هر چه این خط بیشتر طولانی شود باید بیشتر منحنی شویم نه به سمت مرکز کره زمین بلکه به سمت مکه.

**علت این که طولانی شدن صف ها مهم نیست این است که**:

نسبت این صف به مکه و درجات استقبال به مکه ناچیز است و به حساب نمی آید ولی اگر این صف طولانی شود که به قول ایشان نصف دائره زمین را اشغال کند؛ قطعاً مستقیم بودن این خط مانع از صدق استقبال است و باید خط دائری به مرکزیت مکه شود تا استقبال به کعبه صدق کند.

**أما این که هر چه دورتر شویم اگر مستقبل حرم هم باشیم عرفاً مستقبل کعبه هستیم**؛ این برای توجیه این که از راه دور، استقبال حرم مساوی استقبال کعبه است خوب است مثل این که وقتی استقبال خورشید می کنیم هر جزئی از أجزای خورشید را نیز استقبال کرده ایم.

**و لکن ما نفهمیدیم که چه مقدار انحراف به چپ و راست، مجاز است و مانع از صدق استقبال نیست**؛ اصل بحث این است و ایشان أصلاً راجع به این مطلب بحث نکرده اند و تنها فرموده اند استقبال از راه دور به حرم استقبال به کعبه هم می باشد و کعبه جزئی از حرم است.

ما هم این را قبول داریم مثلاً در کره ماه، استقبال کل کره زمین استقبال کعبه هم می باشد، کما این که استقبال کل خورشید، استقبال هر جزء از اجزای خورشید که به سمت ما است، نیز می باشد و این محل نزاع نیست و نیاز به بحث ندارد؛ اگر ما از همین جا رو به حرم باشیم رو به کعبه ایم زیرا اگر مستقبل تمام حرم باشیم پس مستقبل جزئی از حرم، که کعبه است، نیز می باشیم و برای شخص دور تفکیک پذیر نیست و بی معنا است. و بحث و نزاع در این است که مقدار مجاز در انحراف در حال علم و عمد به چه اندازه است؛ شیخ طوسی ره می فرمود: «قبلة من کان فی المکه، المسجد الحرام و قبلة من کان خارج الحرم، الحرم»، به ایشان اشکال کردند که اگر نزدیک مسجد الحرام روبروی مسجد الحرام قرار بگیریم ولی روبروی کعبه نباشیم طبق حرف شما نباید اشکال داشته باشد؛ یا اگر بیرون حرم به گونه ای بایستیم که روبروی حرم باشیم ولی روبروی بخشی از کعبه نباشیم باید صحیح بدانید؛ در حالی که این خلاف ارتکاز متشرعه است که باید رو به قبله بایستیم. بحث اصلی در جواب از این نقض به شیخ طوسی ره است و ایشان هم با این مطلب، این نقض را جواب ندادند بلکه پذیرفتند و گفتند ما راجع به افرادی که در مکان دور زندگی می کنند صحبت می کنیم؛ در حالی که راجع به افراد دور بحث و نزاعی نیست که اگر استقبال کل صورت گرفت استقبال جزء هم صورت می گیرد؛ اگر استقبال مکه صورت گرفت قطعاً استقبال جزء مکه یعنی کعبه هم صورت گرفته است.

***نظر استاد***

**أما نظر ما در مسأله این است که:**

**حکم عالم به جهت قبله (عدم توسعه)**

**نسبت به فرض علم به جهت قبله؛**

انحراف تا سه چهار درجه برای عرف محسوس نیست تا بخواهد بگوید تو مستقبل قبله نیستی، ولی انحراف در حدّ 26 درجه و 45 درجه، حتی از فاصله دور بلا اشکال مانع از صدق استقبال است؛ لذا افرادی که قبله را تشخیص می دهند باید محاذات عرفی را رعایت کنند و نباید تسامح کنند. البته تدقیق عقلی لازم نیست ولی تدقیق عرفی لازم است؛ البته ما قصد درجه بندی نداریم و مهم این است که استقبال عرفی صحت سلب نداشته باشد مثلاً کسی که در حال تخلّی است اگر از او سؤال کنیم، می گوید: رو به قبله نیستم؛ اینجا صحت سلب دارد لذا استقبال قبله محقق نیست. (همان کاری که شخص در هنگام تخلّی انجام می دهد و هنگام نشستن کمی کج می نشیند و می گوید دیگر رو به قبله نیستم؛ باید در نماز هم همان طور برخورد کند و اگر در نماز هم به همان مقدار انحراف داشت قبول کند که استقبال قبله ندارد. و تسامح عرفی پذیرفته نیست)

**حکم جاهل به جهت قبله (توسعه تا 25 درجه)**

**أما در مورد جاهل: قبله به چند بیان توسعه دارد؛**

**بیان أول (سیره عقلائیه)**

یک بیان این است که: عرف اگر شی ای را که می خواهد مقادیم بدن را به سمت آن متوجّه کند تمییز ندهد؛ در مقام عمل تسامح می کند به نحوی که استقبال را در این حال تسامح عرفاً صادق می بیند: مثلاً اگر بگویید رو به مشهد کنید رو به سمت شرق می کنند و می گویند ما استقبال به مشهد کردیم و قبله نما نمی گذارند.

نمی گوییم برای جاهل توسعه در حدّ ربع الدائره است زیرا قطعاً در مورد جاهل، این مقدار انحراف مانع از صدق استقبال است و عرف نمی پذیرد؛ لذا اگر دو نفر که یکی عالم به قبله و دیگری جاهل به قبله است با انحراف 45 درجه از قبله در کنار هم نماز بخوانند؛ اینجا این گونه نیست که عرف به جاهل بگوید مستقبل القبله هستی ولی به عالم بگوید مستقبل القبله نیستی.

أما یک سیره عملیه عرفیه و عقلائیه وجود دارد که در مورد جاهل توسعه عملیه می دهند و این توسعه عملیه شده است که یک مقدار انحراف از راست و چپ را مانع از صدق استقبال ندانند. مثلاً وقتی گفته شود که رو به کربلا بایستد این گونه نیست که قطب نما و نقشه بیاورند. و این سیره توسط شارع با اطلاقات «فولّ وجهک شطر المسجد الحرام» امضا شده است. لذا انحراف برای جاهل تا حدود 24 و 25 درجه سیره عملیه بر توسعه محرز است ولی نسبت به 45 درجه این سیره وجود ندارد.

**بیان دوم (روایات)**

**از روایات این مطلب استفاده می شود؛**

**همان روایت طاطری که ما سند آن را قبول کردیم**: راجع به أهل عراق چنین گفت که ستاره جدی را (که ستاره شمال است) در قفا قرار دهد یعنی متمایل به جنوب بایستد در حالی که قبله بیست و یک درجه و نیم از جنوب متمایل به شمال است (البته بعضی از کشور ها فرق می کند مثلاً عراق در مقدار انحراف از جنوب به شمال، با هم فرق می کنند)؛

عرض ما این است که: امام علیه السلام می توانست دقیق بفرماید که در روز هنگام ظهر رو به خورشید بایستید که این جهت جنوب می شود و کمی هم به سمت راست متمایل شوید تا جهت قبله مشخص شود و انحراف به سمت راست قابل فهم بود ولی امام علیه السلام این را نفرمود. یا در شب بگوید که ستاره جدی را در قفا قرار بده و کمی هم به راست منحرف شو.

و این که در مرسله صدوق ذکر شده که جانب یمین را در عراق به سمت جدی منحرف کن؛ حمل بر استحباب شده است وگرنه در روایت طاطری «اجعل الجدی فی قفاک» ذکر شده است.

با این که سیره بر تشخیص قبله با نگاه به خورشید یا شاخص (دایره هندیه) و یا ستاره ها یا نگاه حسی به خورشید، بوده است و با این ها جنوب را تشخیص می داده اند ولی در هیچ روایتی نیامده است که لازم است کمی از این جهت منحرف شوند تا جهت قبله رعایت شود؛ که کشف می شود که لازم نیست دقیقاً رو به قبله بایستد.

بله اگر شخصی جهت قبله را تشخیص دهد دلیلی نداریم که غمض عین جایز است ولی اگر جهت قبله را تشخیص ندهد مثل کسانی که از امام علیه السلام سؤال می کردند و می خواستند جهت قبله را یاد بگیرند که امام علیه السلام همان تعریف مسامحه ای اتّجاه به جنوب را بیان فرمود که معلوم می شود همین کافی است.

**لذا باید بین عالم و جاهل تفصیل دهیم؛**

راجع به عالم معتقدیم حتّی انحراف ده درجه هم مشکل است: مثلاً اگر در مسجد النبی که قبله مشخص است کسی متمایل بایستد اینجا ارتکاز عرفی نمی گوید مستقبل قبله است و اگر در صدق استقبال شک هم کنیم باز به خاطر علم اجمالی باید احتیاط کنیم. ولی برای شخص جاهل از أدله توسعه را استفاده کردیم و تا 25 درجه مضر نیست: که امام علیه السلام در روایت طاطری می توانست به محمد بن مسلم جهت دقیق قبله را بگوید ولی چنین نکرد. ولی انحراف 45 درجه برای جاهل هم مضر است مگر این که متمکّن از تحصیل علم نباشد.

**این که روایت می گوید استدبار ستاره جدی کن:** معنایش این است که عرفاً به سمت جنوب باشد و اگر عرفاً به سمت جنوب باشد باید کل بدن او به سمت جنوب باشد ولی امام علیه السلام نفرمود که کمی به راست متمایل شو.

بحث ما در مورد مردم است هر چند ائمه علیهم السلام رو به قبله می ایستادند؛ و این که ائمه رو به قبله بودند دلیل نمی شود که مردم هم جهت قبله را بدانند زیرا خانه امام علیه السلام با خانه های دیگر در یک راستا قرار ندارند.

انحراف کمتر از 90 درجه (یعنی انحراف به یمین و یسار قبله) برای جاهل مرکب و ناسی یا کسی که قادر بر علم نیست، مشروع است و بیش از این دلیل نداریم؛ اگر شخصی ملتفت است باید قبله را رعایت کند و معذور نیست. بله انحراف کم تا 25 درجه برای جاهلی که متمکّن از تحصیل علم است مغتفر است.

***حکم شک در صدق استقبال قبله***

**به نظر ما؛ اگر در صدق استقبال نسبت به مقداری انحراف از قبله، شک کنیم؛**

در جاهای دیگر ممکن است در شبهه مفهومیه به برائت رجوع کنیم ولی در اینجا علم اجمالی داریم که یا این انحراف، استقبال به قبله است که تخلّی به سمت آن حرام است و یا استقبال قبله نیست پس نماز به سمت آن مجزی نیست؛ و این علم اجمالی منجّز است و لذا باید یقین به صدق استقبال عرفی پیدا کنیم.

**جهت خامسه**

و يعتبر العلم‌ بالمحاذاة مع الإمكان و مع عدمه يرجع إلى العلامات و الأمارات المفيدة للظن و في كفاية شهادة العدلين مع إمكان تحصيل العلم إشكال و مع عدمه لا بأس بالتعويل عليها إن لم يكن اجتهاده على خلافها و إلا فالأحوط تكرار الصلاة و مع عدم إمكان تحصيل الظن يصلي إلى أربع جهات إن وسع الوقت و إلا فيتخير بينها‌

**صاحب عروه فرمود:**

باید محاذات با عین کعبه باشد ولی هر چه انسان دور تر شود دامنه محاذات بیشتر می شود و انسان بیشتر می تواند به سمت راست و چپ جولان دهد ولی باید در فرض امکان به اصل محاذات علم داشته باشیم؛

**دلیل علم به محاذات هم این است که:**

شرط نماز، استقبال قبله است و تحصیل شرط لازم است و اشتغال یقینی مستلزم فراغ یقینی است. در مورد تخلّی هم علم اجمالی داریم که تخلّی به برخی از جهت ها، تخلّی نحو القبله یا مستدبر القبله است و به خاطر این علم اجمالی باید احتیاط کرد و نمی توان برائت جاری کرد.

لذا کسی که در قطار یا هواپیما است و علم به جهت قبله ندارد و می خواهد تخلّی کند باید احتیاط کند مگر این که ابتدا جهت قبله را می دانست و بعد شک کرد که هنوز همین سمت، جهت قبله است یا این که قطار منحرف شده است و قبله تغییر کرده است که در این فرض استصحاب جاری می شود و احتیاط لازم نیست. در مورد نماز هم اگر حالت سابقه داشته باشد می تواند نماز بخواند و نیازی به فحص نیست.

أما با عدم امکان تحصیل علم، به أمارات و علامات ظنّی رجوع می کنیم. علامات ظنّی معتبر برای قبله را در جلسه بعد بررسی می کنیم.